

از گوشه و کنار

آبادانی ها و خرمشهری ها
برای ۴روز آب ذخیره کنند



رئیس اداره امور آب و فاضلاب خرمشهر ضمن تاکید بر ذخیره سازی آب، از شهروندان آبادانی و خرمشهری خواست تا نسبت به ذخیره سازی و کنترل الگوی مصرف همکاری لازم را داشته باشند. رئیس اداره امور آب و فاضلاب خرمشهر از مردم آبادان و خرمشهر خواست، چون تعمیر کانال آبرسانی المدیس، از جمعه شب به مدت چهار روز آب ورودی به شهرهای آبادان و خرمشهر تنها از خط قیصریه خواهد بود، برای این مدت آب ذخیره کنند. غلامرضا پور جلالی گفت: حدود ۴۰ درصد حجم آب از ورودی به این دو شهر کاهش می یابد. وی ضمن تاکید بر ذخیره سازی آب از شهروندان آبادانی و خرمشهری خواست تا نسبت به ذخیره سازی و کنترل الگوی مصرف همکاری لازم را داشته باشند.

خطر انقراض نیمی از
نهنگ های قاتل جهان



بر اساس یک مطالعه جدید و بزرگ، حداقل نیمی از جمعیت نهنگ های قاتل جهان به علت آلودگی سمی و ماندگار اقیانوس ها محکوم به انقراض اند.

اگر چه استفاده از مواد شیمیایی سمی «بی فنیل پلی کلر شده» (PCB)، چندین دهه است که ممنوع شده اما هنوز هم به آب ها راه پیدا می کند. این مواد در بالای زنجیره غذایی متمرکز شده اند و در نتیجه نهنگ های قاتل به عنوان شکار چپانی برتر تبدیل به آلوده ترین حیوانات این سیاره شده و با شیر آلوده خود نوزادان تازه متولد شده شان را نیز تغذیه می کنند. تحقیقات جدید چشم انداز جمعیت نهنگ های قاتل را در قرن آینده مورد بررسی قرار داده و نشان داده است نهنگ های قاتل به سواحل کشورهای صنعتی زندگی می کنند تا ۳۰ الی ۵۰ سال آینده از بین خواهند رفت. «بی فنیل پلی کلر شده» یکی از آلاینده های یافت شده در بدن نهنگ های قاتل بوده و لیستی طولانی از آلاینده های شناخته شده و نامعلوم در بدن این نهنگ ها وجود دارد. هم چنین مشکلات دیگری برای این نهنگ ها ایجاد شده که از جمله آن ها می توان به دست رفتن طعمه های اصلی برای آن ها همچون ماهی تن و کوسه ها، صید بیش از حد ماهی ها و افزایش آلودگی صوتی در زیر آب ها اشاره کرد.

قبر درمانی یک روان شناس
جنگال به پا کرد



یک روان شناس اوکراینی باروش درمانی عجیبی که برای درمان بیماران به کار می برد خبر ساز شد. «آندره ژلوترو» حین انجام یکی از مراحل درمان اقدام به دفن کردن بیمارانش در یک قبر می کند. این روان شناس با قرار دادن بیماران در تابوت، آنان را در داخل قبر دفن می کند.

روش درمانی غیر معمول این روان شناس هنگامی سر و صدا به پا کرد که یکی از روستاییان ۱۲ تابوت خالی را در یک جنگل در نزدیکی «کیف»، پایتخت اوکراین واقع در شمال این کشور پیدا کرد. پیدا شدن این تابوت های خالی موجب شد تا پای پلیس نیز به این ماجرا باز شود. پس از تحقیقات پلیس، آندره گفت که از تابوت ها برای انجام درمان بیماران استفاده می کرده است. بنا به ادعای این رانچند سال پیش پیدا کردم.

فساد در حال حاضر
خواسته یا ناخواسته، به
فرهنگ و سبک زندگی ما
بدل شده است. امروز ما با
فساد مواجه نیستیم، بلکه
در آن تنفس می کنیم. و
در نتیجه، هر فردی، ولو
به اصطلاح در ست کار،
نمی تواند خود را از فساد
مبرا نگاه دارد

هم ملت، هم رئیس و هم مرنوس در آن همدستند؟ تجربه بر خورد با فساد های میلیاردی و بر خورد های مختلف با مفسدان منفرد، نشان داده است که علاوه بر گزینشی بودن این بر خورد ها، آن چه عملاً اتفاق می افتد، مخفی کردن فساد سیستماتیک به کمک بر ملا کردن فساد های فردی است. در این شرایط، گاه حتی افشای فساد نیز خود بخشی از بازی است. هر گروه می کوشد بنا به منافعش فساد دیگری را بر ملا سازد. پینگ پنگ رسانه ها میان «املاک نجومی» و «حقوق های نجومی» نمونه ای تازه از همین استفاده ابزاری از فساد است.

اما آیا هر فرد به عنوان یک فرد تنها، عملاً هیچ کاری نمی تواند انجام دهد و در بهترین حالت باید دست های خود را بالا نگه دارد؟ فرد تسلیم نمی شود، سکوت نمی کند، سرش را پایین نمی اندازد، چشمش را نمی بندد، شانه بالا نمی اندازد، سر تکان نمی دهد؛ او دقیقاً به تنهایی، حتی دن کیشوت وار، دست به عمل می زند و خودش را قمار کند. او برای همه چیز آماده است، برای اخراج از شغلی که رئیسش فاسد است، برای ناراضیانی همسری که از او می خواهد، برای رضایتش تن به خود عقب نشینی کرده اند به این امید کاذب که بتوانند خود را به تنهایی مصون نگاه دارند. اما در جامعه فاسد یا نهاد فاسد، دست هیچ کس پاک نخواهد ماند و فساد به صورت اپیدمیک تمام ارکان جامعه را در بر می گیرد و ناخواسته و نادانسته به درون زیست مار سوخ می کند. انفعال پاک دستانه نیز، به واسطه حذف همان خرده مقاومت هادر سیستم، از قضا، عملاً راه را بر پیشروی فساد هموار تر می سازد. گناز از مدیران انقلابی سر خورده و منزوی به مدیران بوروکرات و زنگ و کاسب کار در قریب به سه دهه اخیر، شاهدهی است بر این مدعا. مقابل به فساد، نه فردی، بلکه نیازمند نوعی انقلاب فرهنگی راستین فرا گیر است. اما چه کسی توانایی و حتی عزم به بر انداختن آن را دارد و وقتی همگان، هم دولت و

بر دشتی دارد؛ امروزه همگان، دلسوزانه یا مغرضانه، به رواج فراگیر ترین شکل فساد در کشور اذعان دارند. بحث ابتدا بر سر ارقام همواره روبه رشد نیست؛ این که فلان تعداد مدیر خاطی یا بهمان مبلغ پرداخت رشوه چه قدر است، بحثی حاشیه ای است. فساد در حال حاضر خواسته یا ناخواسته، به فرهنگ و سبک زندگی ما بدل شده است. امروز ما با فساد مواجه نیستیم؛ بلکه در آن تنفس می کنیم. در نتیجه، هر فردی، ولو به اصطلاح در ست کار، نمی تواند خود را از فساد مبرا نگاه دارد. این فساد نه تنها در سیستم اداری، بلکه در اذهان دوستان، در مطالبات فرزندان، در توصیه های آشنایان، در مناسبات دانشگاهی و در یک کلام، در تمام شئون زندگی ما به چشم می خورد. فساد دیگر نه تنها به یک واقعیت کتمان ناپذیر، بلکه حتی به «حقیقت» یا «یگانه ارزش زمان ما» بدل شده است. در برابر این فساد دو راهکار شایع وجود دارد که هر دو قابل انتقادند: یکی، روش رایج هر نگ جماعت شدن و قبیح زدایی از فساد. این شیوه، به دلیل بدل ساختن فساد به فرهنگ عمومی، رفته رفته مرز های فساد را تغییر می دهد و آن را از یک اتفاق خاص به یک روند جاری و متعارف بدل می سازد. فساد در این شیوه و پروسه وار خود را تکثیر می کند و به رفتاری عادی بدل می شود.

دوم، افرادی نیز وجود دارند که در مواجهه با فساد و نا کامی شان برای مقابله با آن، می کوشند دست کم جان زبای خود را پاک نگه دارند و زیر لب به غرغری بسنده کنند. آن هادر مواجهه با فساد سیستم، سال هاست مفتخرانه خود را از مناسبات اداری و مالی کنار کشیده اند. آن ها، چه از مدیران جهادی دوران جنگ باشند چه از تصفیه شدگان سایر دوران ها! اکنون به درون غار وجودان خود عقب نشینی کرده اند به این امید کاذب که بتوانند خود را به تنهایی مصون نگاه دارند. اما در جامعه فاسد یا نهاد فاسد، دست هیچ کس پاک نخواهد ماند و فساد به صورت اپیدمیک تمام ارکان جامعه را در بر می گیرد و ناخواسته و نادانسته به درون زیست مار سوخ می کند. انفعال پاک دستانه نیز، به واسطه حذف همان خرده مقاومت هادر سیستم، از قضا، عملاً راه را بر پیشروی فساد هموار تر می سازد. گناز از مدیران انقلابی سر خورده و منزوی به مدیران بوروکرات و زنگ و کاسب کار در قریب به سه دهه اخیر، شاهدهی است بر این مدعا. مقابل به فساد، نه فردی، بلکه نیازمند نوعی انقلاب فرهنگی راستین فرا گیر است. اما چه کسی توانایی و حتی عزم به بر انداختن آن را دارد و وقتی همگان، هم دولت و



همان مکانیسم نظام می شوند و فساد را باز تولید می کنند. مانند کارمندان اداری یا برندگان انتخابات که به سرعت جذب نظام موجود می شوند. مردم به صورت فردی نمی توانند جلوی فساد را بگیرند. مردم اگر بتوانند نقشی ایفا کنند در قالب تشکل های مدنی است؛ که در حال حاضر هم البته، تشکل های موجود در کشور بسیار ضعیف هستند. حتی گاهی دولت با آن ها ضدیت و مخالفت می کند. تو کلی معتقد است که اگر قرار بر مقابله با فساد باشد باید فرصت داده شود تا مردم در قالب تشکل های مدنی و محیط زیستی فعالیت کنند و اگر نه افراد به تنهایی به دیوانگانی تبدیل می شوند که مثل دن کیشوت فقط با شمشیر به جنگ دشمن خیالی می روند. این جامعه شناس، سخنان خود را چنین پایان می دهد: برای شکل دهی مناسب به رفتار مردم باید اراده حاکمیتی در حوزه های آموزش و ... وجود داشته باشد. اگر سطح برنامه های سرگرم کننده بی معنی و بی محتوا صدا و سیما را با برنامه های آموزشی قانون مداری و محیط زیستی مقایسه کنید متوجه می شوید انگار اراده ای جمعی برای حمایت از نهادهای مدنی که در قالب آن مردم بتوانند نقش خود را در جامعه ایفا کنند وجود ندارد.

گپی با یک فیلسوف

محمد مهدی اردبیلی، استاد فلسفه در مورد رواج فساد در بدنه دولت و نیز در سطوح مختلف جامعه، چنین

دو نگاه متفاوت؛ یک نتیجه مشترک: فساد در بدنه دولت رسوخ کرده است

نیازمند چند دن کیشوت هستیم

در حال حاضر فساد را در حوزه انرژی، تخریب محیط زیست، ارتشا، گران فروشی، انواع قانون شکنی ها، کاربری املاک و... می بینیم. در واقع هر شخصی در هر موقعیتی تنها به سود فکر می کند. اگر در کاری پول وجود داشته باشد افرادی به راحتی مرتکب فساد می شوند. حتی اگر قانون شکسته شود، محیط زیست نابود شود، حق همسایه نادیده گرفته شود.



یک شبکه مویرگی پیدا کند. تو کلی، بر خلاف بسیاری از کارشناسان و مسئولان، آن است که ناهنجاری ها هر چه خردتر و کوچک تر باشند در سطح وسیع تری رواج می یابد (مثل سرقت های خرد و اعتیاد) و هر چه بزرگ تر و مخوف تر باشد، در مقیاس کمتری رشد می کند (مثل تبهکاری های بزرگ، فساد ها و اختلاس های کلان) که البته دامنه تاثیراتش بر جامعه وسیع و مخرب است. پس خیلی طبیعی است که برای مقابله و کنترل و نهایتاً به حداقل رساندن مظاهر فساد در جامعه، باید از فساد های بزرگ و کلان شروع کرد و چون این مفاسد اغلب از بدنه دولت ها و نهادهای اجرایی آغاز می شود، دولت و دولت ها باید از خود

از دزدی های خرد تا تبهکاری های بزرگ و فساد های کلان. معمولاً فرمول و قاعده آن است که ناهنجاری ها هر چه خردتر و کوچک تر باشند در سطح وسیع تری رواج می یابد (مثل سرقت های خرد و اعتیاد) و هر چه بزرگ تر و مخوف تر باشد، در مقیاس کمتری رشد می کند (مثل تبهکاری های بزرگ، فساد ها و اختلاس های کلان) که البته دامنه تاثیراتش بر جامعه وسیع و مخرب است. پس خیلی طبیعی است که برای مقابله و کنترل و نهایتاً به حداقل رساندن مظاهر فساد در جامعه، باید از فساد های بزرگ و کلان شروع کرد و چون این مفاسد اغلب از بدنه دولت ها و نهادهای اجرایی آغاز می شود، دولت و دولت ها باید از خود

گپی با یک جامعه شناس

به اعتقاد دکتر نیره تو کلی جامعه شناس، فساد بر همه پدیده های کشور تاثیر گذاشته و بدترین جلوه فساد این است که در حال حاضر به شبکه های مویرگی منتقل شده است. یعنی در هر پدیده ای که مسائل مالی دخالت دارد فساد هم به وجود می آید. رواج این فساد موجب شده هر کارناسالم و غیرقانونی به راحتی توجیه شود. تو کلی می گوید در چنین شرایطی رفتار سالم و قانونمند و هر اقدامی ضد فساد البته نه به نظر می آید، چون فساد قاعده شده است و فاسد نبودن استثنا. این جامعه شناس نگران است که این جوی باعث شده فساد



در فرهنگ Webster، فساد به معنی پاداش نامشروع برای وادار کردن فرد به سرپیچی از وظیفه است. بنا به تعریف بانک جهانی (World Bank) فساد سوء استفاده از قدرت دولتی برای تأمین منافع شخصی است و روشن است که همیشه سوء استفاده از قدرت و امکان دولتی تنها برای تأمین منافع شخصی نیست بلکه می تواند در راستای تأمین منافع یک حزب و جریان سیاسی خاص، طبقه خاص، دوستان، خانواده و... باشد. فساد را در ارتباط با فعالیت های دولتی و در جهت بر خورداری بر برخی مدیران و کارکنان از اختیارات انحصاری تعریف شده است. «گری بکر» اقتصاددان آمریکایی و برنده جایزه نوبل می گوید: سهم بزرگ فساد در کشور مربوط به دولت است یا در دولت رخ می دهد؛ هر چند فساد در بخش خصوصی هم وجود دارد.

یادداشت

مسئولیت پذیر بودن را از دوران طفولیت بیاموزیم



فاطمه تاجیح، دکترای روانشناسی عمومی

همه ما به عنوان شهروندان یک جامعه دوست داریم در دنیایی زندگی کنیم که تمام اعضای آن از مردم عادی گرفته تا مقامات، مسئولان و زوار تخانه ها و نهادهای امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور مسئولیت پذیر باشند. همه ما رویای دنیایی را در سر داریم که هیچ یک از اعضای آن در هر جایگاه، مقام و منصبی که هستند، از انجام مسئولیت های خود شانه خالی نمی کنند. برای تحقیق یافتن چنین جامعه ای تنها لازم است از همان اوان کودکی فرزندانمان دغدغه پرورش انسان هایی مسئولیت پذیر و دارای حس مشارکت اجتماعی را در سر داشته باشیم تا در آینده این حجم از گریز از مسئولیت پذیری را نبینیم. در واقع بسیاری از والدین تصور می کنند همین که فرزندان ی گوش به حرف، درس خوان و سر به لاک خود تربیت کنند، وظیفه و رسالت والدین بودن خود را تمام و کمال به اتمام رسانده اند؛ نا گفته نماند که اهمیت تربیت فرزندان ی باسواد و موفق در زمینه و عرصه های تحصیلی بر کسی پوشیده نیست، اما آیا به نظر تان پرورش فرزندی فقط درس خوان می تواند رشد

روان شناسان همچنین معتقدند احساس مسئولیت یک

خصوصه ذاتی نیست؛ کودک آن به صورت اکتسابی از طریق آموزش و تعامل با اعضای خانواده، الگو برداری، پرورش روابط اجتماعی در متن زندگی خانوادگی و تماس با سایر دوستان و آشنایان این ویژگی را فرا می گیرند. بنابراین «مسئولیت پذیری» قبول تعهد فرد برای انجام فعالیتی است که به وی سپرده می شود. ناگفته نماند که تعریف پذیرش «مسئولیت» با انجام «وظیفه» متفاوت است؛ در واقع هیچ باید و اجباری در «پذیرش مسئولیت» انجام یک فعالیت وجود ندارد و فرد بصورت داوطلبانه و با میل و رضای خود شرایط را می پذیرد؛ اما این در حالیست که «وظیفه» به معنای انجام کاری است که از طرف فرد دیگری بر شخص محول می شود و فعل «باید» در به انجام رساندن آن فعالیت حاکم است، بطوریکه در پذیرش مسئولیت اینگونه نیست. همچنین روان شناسان اظهار دارند برای پرورش فرزندان مسئولیت پذیر والدین باید در سنین ۲ تا ۴ سالگی به تدریج و متناسب با توانمندی های مربوط به دوره های رشدی تحولی کودک آن، با واگذاری یک سری از کار های روز مره زندگی، در آموزش رفتار مسئولانه آنها پیشگام شوند. در این سنین کودکان عاشق کمک کردن هستند و والدین با بهره مندی از چنین خصیصه ای می توانند در جهت مسئولیت پذیر بار آوردن آنان گام های شگرفی بردارند. البته در مسیر پرورش حس مسئولیت توجه به یک سری از نکات برای طفلی که تازه پایه عرصه جهان گذاشته نیز ضروری است؛ از اینرو به والدین

دیگر ابعاد شخصیتی او را در موقعیت های مختلف اجتماعی تضمین کند؟ پاسخ به این پرسش قطعاً خیر است؛ کودک آن علاوه بر برخورداری از امکانات تحصیلی مطلوب، نیازمند فراگیری توانمندی های دیگری در دوره های سنی مختلف نیز هستند تا بتوانند در مواجهه با فراز و فرود های زندگی، با حفظ روحیه خود بهترین تصمیم را برای مدیریت و کنترل کردن هیجاناتشان اتخاذ کنند. بر همین اساس روان شناسان معتقدند چالش های اجتماعی و نواسانات اقتصادی خرد و کلان را بجز در سطح کشور از سوی مدیران و مسئولان، همه و همه ریشه در کج گذاشتن خشت اول اصول تربیتی والدین این دسته از افراد در دوران کودکی دارد؛ در واقع رشد قارچ گونه افراد مسئولیت گریز بدلیل این است که این عزیزان در کی از مسئولیت در پس ذهنشان شکل نگرفته و بر همین اساس است که در دوران بزرگسالی و حتی میان سالی از زیر بار وظایف و مسئولیت های خود شانه خالی می کنند. از این رو به منظور پیشگیری از رشد چنین افرادی که کم کم نیستند لازم و ضروری است تا خانواده ها به عنوان مهمترین پایگاه اجتماعی، رسالت خود را در زمینه فرزند پروری به نحو احسن انجام دهند و مسئولیت پذیر بودن را از همان آغاز ۲ سالگی به فرزندان شان آموزش دهند تا در آینده نیز بتوانند سرمایه های اجتماعی مفیدی را به جامعه تحویل دهند.